

## **Innovation of Twitter Diplomacy in Advancing Foreign Policy Goals**

**Mehrdad Tavakoli<sup>\*</sup>, Hadi Khaniki<sup>\*\*</sup>**

**Akbar Nasrollahi<sup>\*\*\*</sup>, Nazanin Malekian<sup>\*\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Twitter has become a new tool for diplomatic affairs and international relations, and the use of this tool for countries in the direction of exercising soft power in the international environment and as a type of digital media diplomacy is very worthy of investigation and analysis. What has been examined in this research is "how Twitter diplomacy works in the two countries of Iran and the United States" and the purpose of the research is to study the function of Twitter diplomacy as a media diplomacy tool and to know the role of Twitter in the effective transmission of political messages by examining the Twitter messages of the president. He is the former president of the United States and the former foreign minister of Iran. How to use Twitter to advance the goals and objectives and secure the national interests of the two countries, understanding media diplomacy and examining the way of representing foreign policy, and finally the similarities and differences between the Twitter diplomacy of the two countries, Iran and the United

<sup>\*</sup> Doctoral student of Social Communication Sciences, Department of Communication Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, meh.tava@yahoo.com

<sup>\*\*</sup> Professor of Faculty of Social Communication Sciences, Allameh Tabatabai University (Corresponding Author), hadi.khaniki@gmail.com

<sup>\*\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Social Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, akbar.nasrollahi@gmail.com

<sup>\*\*\*\*</sup> Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, nz.malekian@gmail.com

Date received: 2022/09/03, Date of acceptance: 2023/12/06



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

States, are things that can be explored by exploring The content of the twitter messages of these two officials was analyzed through thematic analysis method.

Self and other representation, validation and devalidation for self and other; The main axis of Twitter diplomacy has been the use of Iran and the United States, and in the absence of official diplomacy between the two countries, it is considered the most key tool for reproducing soft power and an opportunity for the diplomacy of both countries.

**Keywords:** Twitter diplomacy, JCPOA, nuclear agreement, foreign policy, media diplomacy

## تحول آفرینی توئیتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی

مهرداد توکلی\*

هادی خانیکی\*\*، اکبر نصراللهی\*\*\*، نازنین ملکیان\*\*\*\*

### چکیده

استفاده از تکنولوژی های نوین ارتباطی، امروزه به فرایندی همه گیر با مقاصد گوناگون اجتماعی و سیاسی تبدیل شده و کاربرد آنها دیپلماسی رسانه ای کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. سیاستمداران با استفاده از رسانه های اجتماعی نوین با مردم ارتباط برقرار کرده و سیاست های موردنظر خود را پیشترانی می نمایند، لذا توئیتر نیز به ابزاری جدید برای امور دیپلماتیک و روابط بین الملل تبدیل شده است، و استفاده از این ابزار برای کشورها در راستای اعمال قدرت نرم در محیط بین الملل و بعنوان نوعی دیپلماسی رسانه ای دیجیتال، بسیار جای بررسی و تحلیل دارد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، "چگونگی عملکرد و کارکرد دیپلماسی توئیتری دو کشور ایران و آمریکا" و هدف تحقیق مطالعه کارکرد دیپلماسی توئیتری بعنوان ابزار دیپلماسی رسانه ای و شناخت نقش توئیتر در انتقال مؤثر پیامهای سیاسی؛ با بررسی پیام های توئیتری رییس جمهور سابق آمریکا و وزیر امور خارجه سابق ایران می باشد.

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، meh.tava@yahoo.com

\*\* استاد دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، hadikhaniki@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، nasrollahi@gmail.com

\*\*\*\* استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، nz.malekian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵



چگونگی بهره برداری از توئیتر برای پیشبرد مقاصد و اهداف و تامین منافع ملی دو کشور، شناخت دیپلماسی رسانه ای و بررسی نحوه بازنمایی سیاست خارجی، و در نهایت شباهت ها و تفاوت های دیپلماسی توئیتری دو کشور ایران و آمریکا، مواردی است که با کنکاش در محتوای پیام های توئیتری این دو مقام، و از طریق روش تحلیل مضمون بررسی گردید. بازنمایی خود و دیگری، اعتبارسازی و اعتبارزدایی برای خود و دیگری؛ محورهای اصلی کاربرد دیپلماسی توئیتری ایران و آمریکا بوده است و در شرایط فقدان دیپلماسی رسمی بین دو کشور، کلیدی ترین ابزار برای بازتولید قدرت نرم و فرصتی برای دیپلماسی هردو کشور محسوب می شود.

**کلیدواژه‌ها:** دیپلماسی توئیتری، برجام، توافق هسته ای، سیاست خارجی، دیپلماسی رسانه ای

## ۱. مقدمه

سیاست خارجی یک کشور مجموعه‌ای از اهداف و راهبردهایی است که به منظور تامین منافع ملی آن دنبال می شود. با تحولات گسترده ی تاریخی مفهوم دیپلماسی دستخوش تغییر و تحول شده است و به شیوه ی مسالمت آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین المللی اطلاق می شود که نقطه‌ی مقابل بهره‌گیری از روش های قهر آمیز نظامی است؛ در تعریف دیگر به معنای مدیریت سیاست خارجی و کلیه‌ی اقداماتی است که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، تکنولوژیک، امنیتی و نظامی انجام می دهد. از طریق دیپلماسی می توان به ارزیابی الگوهای رفتاری یک دولت و بررسی تمامی منافع، استراتژی ها و اهداف ملی آن اقدام کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۸).

هدف دیپلماسی به طور کلی ایجاد تغییرات بنیادین و اساسی در روابط میان کشورها است، در رویکرد دیپلماسی عمومی تلاش می شود تا تصویر مطلوبی از یک کشور برای افکار عمومی دیگر کشورها ترسیم شود. دیپلماسی رسانه‌ای نیز به عنوان یکی از انواع دیپلماسی، هدف اصلی خود را حل تعارضات و اختلافات و دستیابی به توافق تعریف کرده است.

این اهداف از طریق روش ها و شیوه‌های گوناگون نیز محقق می شوند: «مذاکرات دو به دو و سنتی پشت درهای بسته، استفاده از رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی جدید نظیر توئیتر، که می توانند محلی برای بیان اهداف و انتظارات سیاسی کشورها باشند. با توجه به گسترش رسانه های جدید و شبکه های اجتماعی، بسیاری از اهداف دیپلماتیک مقامات کشورها، در کنار دیپلماسی عمومی، در بستر این شبکه های جدید نیز قابلیت تحقق دارند.

تحول آفرینی توئیتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۵۳

دیپلماسی مدرن با تغییرات اساسی مواجه است و پیشرفت های فنی به ویژه دیجیتالی شدن، بر نحوه عملکرد دیپلماسی تأثیر می گذارد، زیرا تعداد بیشتری از بازیگران در صحنه ملی و بین المللی حضور دارند که فعالیت آنها بر دیپلماسی تأثیر می گذارد، عموم مردم نسبت به چنین موضوعاتی آگاهی بیشتری پیدا می کنند و تلاش می کنند از طریق رسانه های اجتماعی بر دیپلماسی تأثیر بگذارند.

تأثیر ابزارهای ارتباطی و توسعه سریع و گسترش رسانه های اجتماعی بر دیپلماسی عمومی تغییرات قابل توجهی ایجاد کرده اند، این نوع دیپلماسی اقداماتی از قبیل ترویج فرهنگ و ارزش های ملی و دستاوردهای اهداف سیاسی را علی رغم تحریم های اقتصادی و سیاسی ایجاد می کند. دیپلماسی دیجیتال فضای جدیدی را برای دیپلماسی عمومی ایجاد می کند، از این منظر باید رسانه های اجتماعی جدید را شناخت و از آنها به طور موثر برای شکل دادن به افکار عمومی استفاده نمود. دیپلماسی دیجیتال، ای.دیپلماسی، دیپلماسی اینترنتی، یا دیپلماسی مسیر دو انواع جدید و مدرن دیپلماسی هستند که برپایه بکارگیری ظرفیت های موجود در حوزه فناوری های نوین مبتنی بر اینترنت، به پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها کمک میکنند.

در قرن بیست و یکم، شبکه های اجتماعی برای اهداف دیپلماتیک کاملاً مناسب هستند، زیرا فرصت های ارتباطی ارائه می دهند که همیشه نمی توانند از طریق کانال های سنتی دیپلماسی یا از طریق دیپلماسی چهره به چهره، در دسترس باشند. توئیتر می تواند با ارتباط مستقیم و تعامل بین ذینفعان، ایجاد و تقویت روابط دیپلماتیک را تسهیل کند، لذا یک فرصت است؛ چه برای افرادی که حرف تازه ای در سپهر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور دارند و چه برای مقاماتی که می خواهند از طریق رسانه ای فراگیر، پیامی را به مخاطبین داخلی و خارجی با سرعت زیاد برسانند. کاربران توئیتر در کوتاه ترین زمان ممکن می توانند با ارسال توئیت با امکان ارسال انبوه پیامک با اهداف سیاسی، آن را با میلیون ها کاربر دیگر در سراسر جهان به اشتراک بگذارند. این ویژگی ها باعث شده که رهبران سیاسی، سیاستمداران، رهبران دیپلماتیک و دیپلمات ها جذب توئیتر شوند و این رسانه اجتماعی را به عنوان اولویت اول خود انتخاب کنند و محفلی برای انعکاس اولویتها، ارزشها و ایده های آنان شده است.

استفاده از این زیرساخت نوع جدیدی از دیپلماسی را با عنوان "توئیپلماسی" به وجود آورده است. توئیپلماسی را می توان "استفاده از ظرفیتهای گسترده توئیتر برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی یک کشور توسط دیپلمات ها یا مقامات سیاسی یک کشور" نامید. دیپلماسی

توییتری امروزه بخشی از سیاست خارجی کشورهاست، می توان افکار عمومی را نسبت به یک موضوع شکل داد و آن را مدیریت کرد، دیپلماسی رسمی را تقویت کرد و به اتهامات و نکاتی که از طریق کشور های دیگر مطرح می شود پاسخ داد زیرا مخاطبین توییتر به نسبت افراد عادی جامعه، قشر فرهیخته تری هستند.

توییتر جعبه ابزار سیاستمداران عرصه بین الملل را گسترش داده و از طریق آن می تواند سریع و مستقیم آنچه را که اتفاق می افتد درک کنند. از طریق توییتر، سیاستمداران نه تنها می توانند پیام ها و دیدگاه های خود را ارائه دهند، بلکه می توانند گوش دهند و با مردم وارد تبادل مستقیم شوند. شفافیت و گفت و گو دو کلمه کلیدی در اینجا هستند. مهم این است که دیپلماسی به طور فعال از رسانه های دیجیتالی استفاده کند تا با طیف متنوعی از شهروندان گفت و گو کند. ما در حال حاضر شاهد نسلی هستیم که به طور فزاینده ای از اینترنت برای درک اطلاعات سیاسی استفاده می کند.

هرچند نمی توان توییتر را جایگزین دیپلماسی سنتی دانست و نمی تواند جای جلسات ارتباطات و تبادل دیپلماتیک را بین دیپلمات ها در مورد سیاست خارجی بگیرد، اما می تواند این کانال ها را به خوبی تکمیل کند، فعالیت دیپلمات ها را شفاف و قابل دسترسی کند و پیروان بازیگران جامعه مدنی و افراد علاقه مند می توانند تقریباً در زمان واقعی در مذاکرات دیپلماتیک حضور داشته باشند. لذا به دلیل استفاده از دیپلماسی دیجیتال، روابط دیپلماتیک شکننده تر نخواهند شد بلکه تقویت می شوند. دیپلماسی دیجیتال شیوه های حفظ و برقراری ارتباط را گسترش می دهند، اما شیوه های سنتی و کلاسیک دیپلماسی را منسوخ نمی کنند.

هر قدر رسانه ها ظرفیت و توان بیشتری داشته باشند، نظام سیاسی حاکم تمایل بیشتری دارد تا وظایف دیپلماسی رسانه ای را به آنان محول کند. به عبارتی هر قدر تخصص، مهارت و دانش رسانه ها بیشتر باشد، جایگاه و نقش مهمتری را در طراحی دیپلماسی رسانه ای خواهند داشت. هنگام انجام مذاکراتی که برای حل تعارضات و رسیدن به توافق صورت می گیرد، دولتمردان و سیاستمداران اغلب در مورد اقدامات جدیدی که در حوزه های سیاسی، اقتصادی و نظامی انجام خواهند، صحبت می کنند. کشورهایی که در دیپلماسی رسانه ای ضعیف هستند، تمامی وظایف بر عهده دولتمردان آنان است. هم وظیفه ای موضع گیری های سیاسی و هم جریان سازی های رسانه ای بر عهده آنان خواهد بود. در این شرایط رسانه ها صرفاً به مثابه ی کانالی که به انتشار و انتقال اخبار می پردازد، عمل می کنند (خرازی آذر، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

تحول آفرینی تویتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۵۵

تویتر خود را بعنوان بستری برای فعالیت سیاسی در سال های اخیر ثابت کرده است و به واسطه محدودیت کاراکتر و تاثیرگذاری پیام خلاصه و کوتاه و همچنین داشتن توانایی ارسال توییت از طریق موبایل، کارکرد سیاسی خوبی دارد؛ زیرا در آن بدست آوردن دنبال کننده های جدید و شناخت آنها و روابطشان راحت و سریع است. (مارگتس، ۱۳۹۹: ۷۹) در فضای فقدان روابط مستقیم دیپلماتیک و رابطه سیاسی رسمی بین کشورها، رسانه پرنفوذ و پرکاربرد تویتر به کمک دولتمردان آمده تا ضمن انتقال غیرمستقیم پیام های سیاسی، وسیله ای برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک باشد.

با توجه به تبعات و اثرات دیپلماسی رسانه ای بر افکار عمومی، ضروری است تا نحوه استفاده سیاستمداران و دیپلمات ها از این شبکه ها مورد مطالعه قرار گیرد. با اجرای این پژوهش ساختار و شیوه ی عملکرد مقامات در حوزه ی دیپلماسی رسانه ای مشخص می گردد و نقش توییپلماسی بعنوان شیوه ای از دیپلماسی رسانه ای دیجیتال بخصوص در میان کشورهای فاقد دیپلماسی رسمی، مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد.

در این پژوهش تلاش شده است ویژگی های محتوایی و مضمونی دیپلماسی توییتری مقامات کشورهای ایران و آمریکا بررسی گردد، و برای نیل به این هدف پیام های توییتری رییس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه ایران در دوره زمانی خروج آمریکا از برجام انتخاب شده اند. پرسش تحقیق این است که "دیپلماسی توییتری در بستر شبکه های اجتماعی چگونه عمل کرده و کارکرد دیپلماسی رسانه ای دو کشور ایران و آمریکا چگونه بوده است؟" هدف تحقیق مطالعه کارکرد دیپلماسی توییتری در بستر شبکه های اجتماعی بعنوان ابزار دیپلماسی رسانه ای و شناخت نقش تویتر در انتقال مؤثر پیامهای سیاسی مقامات کشورها است.

در این تحقیق تعداد ۷۵ توییت رییس جمهور سابق آمریکا و وزیر امور خارجه سابق ایران مورد مطالعه قرار گرفت، از این تعداد ۴۲ توییت از سوی محمدجواد ظریف با حساب کاربری JZarif (با ۱.۶ میلیون دنبال کننده و ۱۱ دنبال شونده)؛ و ۳۳ توییت توسط دونالد ترامپ رییس جمهور سابق آمریکا با حساب کاربری Donald John Trump (با بیش از ۵۲ میلیون نفر دنبال کننده و بیش از ۳۷۷۰۰ توییت)، منتشر شده است.

## ۲. دیپلماسی رسانه ای

دیپلماسی رسانه ای به معنای استفاده از رسانه های جمعی، برای برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیر دولتی، برای اعتماد سازی و برای پیش رفت مذاکرات و توافقات؛ و نیز هنر ایجاد

ارتباط میان کشورها، حل و فصل اختلافات بین‌الملل و اقناع جوامع دیگر از طریق رسانه‌های جهانی است.

در زمانی که کانال‌های ارتباطی مستقیم میان کشورها وجود نداشته باشد و یا نوعی عدم اطمینان از چگونگی واکنش طرف مقابل نسبت به شرایط مذاکره وجود دارد، دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند زمینه را برای مذاکره و رسیدن به توافق هموار کند. یکی از مهم‌ترین دشواری‌های حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی، حل مناقشات و تعارضات میان کشورها و ملل گوناگون است. امروزه یکی از مهمترین ابزارهای دیپلماسی رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر، اینستاگرام و فیسبوک هستند.

### ۳. دیپلماسی توئیتری یا توئیپلماسی (Twiplomacy)

امروزه فناوری مدرن به ما اجازه داده است تا به سرعت در هر زمان و مکانی، به اطلاعات و اخبار و تحلیل‌ها دسترسی پیدا کنیم، ظهور شبکه‌های اجتماعی، موانع ارتباطی کشورها و ملل را از میان برداشته است، در این بین یکی از موفق‌ترین و مؤثرترین شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان «توئیتر» است.

تحقیقات نشان داده است که کاربران شبکه‌های اجتماعی، توئیتر را به دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک یا اینستاگرام ترجیح می‌دهند و یکی از عمده دلایل آن کارآمدی و درجه بالای تأثیرگذاری آن است.

تحولات عظیم عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات موجب شده است تا دیپلماسی با عبور از دیپلماسی سنتی به عرصه دیپلماسی دیجیتال وارد شود. در گستره بیکران فضای مجازی که امروزه بستر و جولانگاه شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر شده اند، استفاده از دیپلماسی توئیتری جایگاه مهمی پیدا کرده است.

توئیپلماسی به معنی افزایش بهره‌وری، هم‌افزایی، و تعامل از طریق توئیت‌های هدفمند است. به عبارت دیگر، دیپلمات‌ها و مقامات با حسابهای توئیتری خود قادر هستند به سرعت و مستقیماً با توده مردم ارتباط برقرار کنند و حتی از این طریق دولتهای میزبان را نیز در برزخ وب سایت توئیپلماسی لیست جامعی از تمامی سفارتخانه‌ها و رهبران و وزرای خارجه کشورهای مختلف دنیا را که در توئیتر حضوری فعال دارند به صورت سالیانه منتشر می‌کند. بیش از پنج هزار سفارتخانه در سراسر دنیا از کشورهای مختلف در توئیتر حضوری فعال



تحول آفرینی توئیتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۵۷

دارند، حال آنکه به غیر از هزاران سفیر که روزانه در توئیتر مأموریت‌های خود را انجام می‌دهند، نزدیک به دو هزار سیاستمدار برجسته در توئیتر فعالانه حضور دارند. تازه‌ترین نتایج یک مطالعه وبسایت توئیپلماسی نشان می‌دهد که وزارتخارجہ انگلیس بزرگترین شبکه «توئیپلماتیک» را در اختیار دارد. (twiplomacy, 2017)

توئیتر اکنون خود را به عنوان رسانه ای کارآمد در زمینه دیپلماسی دیجیتال تثبیت کرده است و تقریباً همه کشورها از این پلتفرم استفاده می‌کنند، چه برای ارسال پیام‌های سیاسی چه برای ارائه تصویر کشورشان و چه برای تبادل نظر، توئیتر در ارتباطات و تبادلات دیپلماتیک بکار گرفته می‌شود. البته شیوه‌های سنتی دیپلماسی منسوخ نمی‌شوند بلکه متنوع‌تر و تکمیل‌تر می‌شوند و دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی هرروز فرصت‌ها و گزینه‌های بیشتری برای برقراری ارتباط با یکدیگر دارند، از این رو به عنوان یک ابزار و شیوه قدرت نرم عمل می‌کند.

#### ۴. پیشینه پژوهش

۱- "ساختار دیپلماسی رسانه ای سیاستمداران ایرانی و آمریکایی در شبکه اجتماعی توئیتر"، فاطمه عودلاجانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سال ۱۳۹۸، دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه

این تحقیق به تحلیل محتوا و ارزیابی صفحات توئیتر وزرای امور خارجه ایران و آمریکا پرداخته است. در این تحقیق آمده است: ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی باعث تغییر و تحول در عرصه سیاست شده است. شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، فیسبوک و اینستاگرام با نقش آفرینی در عرصه‌ی سیاست سبب پیچیدگی روابط سیاسی شده‌اند و از سوی دیگر جایگاه مهمتری را در دیپلماسی رسانه ای کسب کرده‌اند. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش و رسیدن به اهداف موردنظر، از روش تحلیل محتوا با دو تکنیک مقوله‌ای و ارزیابی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش مجموع توئیترهای صفحات توئیتر وزرای امور خارجه ایران و آمریکا در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ میلادی است.

حضور تعداد زیادی از سیاستمداران و دیپلمات‌ها در این شبکه نشان‌دهنده‌ی اهمیت این شبکه و نقش آن در پیشبرد و تحقق اهداف سیاست خارجی می‌باشد. دیپلماسی رسانه ای یک کشور نیز بازتاب و انعکاسی از ایدئولوژی، اهداف و نظام سیاسی آن است به همین دلیل دارای اهمیت می‌باشد. ایران از سیاست خارجی به عنوان منبع قدرت نرم خود بسیار بهره‌برده است.

در مقابل آمریکا علاوه بر سیاست خارجی، از تهدیدات زیرکانه و ایجاد وابستگی متقابل نیز سود برده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، دیپلماسی رسانه ای دو کشور ایران و آمریکا دارای وجوه متفاوتی می‌باشد. در بررسی دیپلماسی رسانه ای این دو کشور، توجه به تاریخ روابط ایران و آمریکا ضروری است. ایران از طریق دیپلماسی رسانه ای خود در تلاش است تا هرچه بیشتر بر پایداری خود به تعهدات بین المللی نظیر برجام تاکید نماید و از سوی دیگر به بدعهدی و عدم پایداری آمریکا به تعهدات اشاره دارد. دیپلماسی رسانه ای آمریکا نیز در مقابل ایران قرار دارد. آمریکا درصدد است تا از طریق تلاش های وزرای امور خارجه خود در شبکه ی توییتر، ایران را به عنوان کشوری حامی تروریسم و بی ثبات کننده ی خاورمیانه معرفی نماید.

۲- بررسی تطبیقی نگرش روزنامه نگاران و دیپلمات ها نسبت به نقش دیپلماسی رسانه ای سیاستمداران در شبکه های اجتماعی (با تاکید بر فیسبوک و توییتر)، کامه وزیری، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۶، دانشگاه علامه طباطبایی:

این پژوهش به بررسی تطبیقی نگرش روزنامه نگاران و دیپلمات ها نسبت به نقش دیپلماسی رسانه ای سیاستمداران در توییتر و فیسبوک پرداخته است. پژوهشگر برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایش استفاده کرده و هدفش بررسی نقش شبکه های اجتماعی در شکل دهی به فرایند دیپلماسی رسانه ای از نگاه روزنامه نگاران و دیپلمات ها بوده است.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین نقش اطلاع رسانی شبکه های اجتماعی، مقابله با تبلیغ و ضد تبلیغ رسانه های خارجی، کنترل فضای خبری رسانه های خارجی و داخلی، توانایی چانه زنی در گفتگوهای سیاسی، کنترل یا تلطیف فضای گفتگوهای سیاسی و خشتی سازی یا مقابله با سانسور رسانه های جمعی داخلی یا خارجی توسط دشبکه های اجتماعی از دیدگاه روزنامه نگاران و سیاستمداران تفاوت وجود دارد.

۳- "رویکرد پسامدرنیسم در روابط بین الملل نسبت به تاثیرات رسانه های مبتنی بر تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات بر دیپلماسی"، رساله دکتری، زهرا خرازی آذر، سال ۱۳۸۶، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

در این رساله دکتر خرازی آذر ضمن بررسی رویکرد حوزه سیاست خارجه نسبت به تاثیرات رسانه های مبتنی بر فناوری های نوین ارتباطات و اطلاعات، مدلهایی درباره دیپلماسی رسانه ای برای نظامهای مختلف اقتدارگرا، دموکراتیک، آرمانی (دموکراتیک جهانی) و ... و در نهایت کشور ایران ارائه کرده و بیان داشته است:

تحول آفرینی توئیتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۵۹

گرچه دیپلماسی رسانه‌ای در ایران به صورت ذهنی مورد توجه و تاکید رسانه‌ها و دیپلماسی کشور است؛ اما زمینه، شرایط، قوانین حمایتی و ابزارهای اجرایی دستیابی به دیپلماسی رسانه‌ای تاثیرگذار در کشور همچنان وجود نداشته و در حوزه‌های تئوری و عمل همچنان مغفول است.

در این پژوهش همچنین پیشنهادهای جهت برخورد موفق با چالشهای ارتباطات جهانی و کاربرد موثر رسانه‌های مبتنی بر فناوریهای نوین ارتباطات و اطلاعات، از سوی دولتها و نیز پیشنهادهای در راستای فراهم آوردن زمینه‌های نوظهور و تاثیرگذار دیپلماسی رسانه‌ای در ایران ارائه شده است.

۴- پژوهش خارجی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته از سوی کنستانس دانکومب که پژوهشگر حوزه توئیپلماسی است در سال ۲۰۱۸ انجام شده تحت عنوان: توئیتر و دیپلماسی تغییر شکل یافته: شبکه‌های اجتماعی و روابط ایران و آمریکا؛

"Twitter and transformative diplomacy: social media and Iran-US relations" در این

تحقیق ضمن اشاره به روابط متوقف شده دیپلماتیک ایران و آمریکا، از شبکه‌های اجتماعی بعنوان بستری برای تبادل پیام‌ها و مواضع دیپلماتیک میان کشورهایی که روابط دیپلماتیک رسمی ندارند، نام برده است و این ابزار را برای خلق دیپلماسی نوین مفید دانسته است.

کنستانس دانکومب عنوان کرده از زمان قطع روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا، رسانه‌های اجتماعی به وسیله‌ای برای ارتباط میان دیپلمات‌ها تبدیل شده است؛ بنابراین رسانه‌های اجتماعی، فضایی را که در آن دیپلماسی شکل می‌گیرد، تغییر داده اند. دولت‌ها نیز توانسته‌اند با تحولات دیجیتال حوزه تأثیرگذاری قدرت نرم خود را گسترش دهند.

وی می‌گوید ایران و آمریکا تلاش کردند از توئیتر برای جنبه‌های مثبت هویت خود و تعهداتشان به توافق استفاده کنند. از نظر دانکومب این است که ظرفیتی که توئیتر برای چارچوب بخشیدن به بازنمودهای هویت دولت به کار می‌گیرد، در تلاش برای شناساندن خود اهمیتی ویژه‌ای دارد؛ چرا که به آسانی قابل دسترسی هستند و سریعاً در میان هم‌تایان دیپلماتیک منتشر می‌کند و نادیده گرفتن این جنبه از رسانه‌های اجتماعی در رویه دیپلماسی، از جنبه قابل توجهی از منافع دولت چشم‌پوشی می‌کند که در راهبردهای مذاکرات کارا و احتمالات سیاسی برای تغییر، نقش کلیدی دارد. توئیتر بستر دیگری برای گفتگو بین کشورها در مواردی است که تعاملات دیپلماتیک رو در رو محدود است و سرعت لحظه‌ای ارتباط از طریق رسانه‌های اجتماعی لزوماً با شیوه‌های بوروکراتیک که اغلب ارتباط بین دیپلمات‌ها و دولت‌ها را محدود می‌کند،

می شکند. تویتر بینشی در مورد اینکه ایران چگونه ایالات متحده را به رسمیت می شناسد و می خواهد از طریق نمایندگی های خاص برای خود به رسمیت شناخته شود، ارائه می دهد. با توجه به چنین تحولاتی، اهمیت رسانه های اجتماعی در دیپلماسی نیازمند توجه است.

## ۵. چارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق از مفاهیم کلی نظریه "قدرت نرم؛ جوزف نای" بعنوان چارچوب نظری استفاده شده است و همچنین از مبانی نظری نظریه "بازنمایی؛ استوارت هال" نیز بهره گرفته شده است.

### ۱.۵ نظریه قدرت نرم (Soft Power)

جوزف نای استاد دانشگاه هاروارد و مبدع اصطلاح قدرت نرم می گوید:

قدرت نرم یعنی تأثیر و جذابیت ایده‌های یک ملت بر ملل دیگر. قدرت نرم یک ملت را قادر می‌سازد تا بر نتایج مورد نظر خود در عرصه امور بین‌المللی نه با توسل به زور و قوه قهریه بلکه به مدد قدرت جاذبه و کشش دست یابد. در حقیقت قدرت نرم یک رویکرد امنیت طلب است که معطوف به جلب توجهات جهانی به چالش‌های جدید می‌باشد و از پذیرش استانداردها و نهادهای بین‌المللی و ائتلاف‌ها و همکاری‌های مبتکرانه در روابط خارجی بین کشورها و نیز سازمان‌های غیردولتی هم فکر، عمل می‌کند.

امروزه رسانه‌ها به عنوان ابزار اصلی قدرت نرم به شمار می‌روند که نقش کلیدی را در عرصه تحولات دیپلماسی بر عهده دارند.

برای نای قدرت نرم، قدرت جذابیت است، یعنی نفوذ یک الگو که با نفوذ و قدرت مشتق از نیروی نظامی، تحریم‌های اقتصادی و حتی کمک‌های اقتصادی تفاوت دارد. قدرت نرم توانایی بدست آوردن خواسته خود از طریق جذب و ترغیب دیگران به پذیرش اهداف است. نای یک تعریف موجز انتخاب می‌کند: «قدرت توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای رسیدن به نتایج مطلوب است» (Nye, 2002).

یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم دیپلماسی عمومی است، چرخ‌های قدرت سخت فقط می‌تواند با روغن کاری قدرت نرم که در آن دیپلماسی عمومی یک عنصر کلیدی است به روانی کار کند. رابرت کوپر بیان می‌دارد، موفقیت در دیپلماسی به معنای همکاری فرا ملی و آشکار است (Cooper, 2003).

تحول آفرینی تویتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۶۱

استدلالی که از قدرت نرم از مزیت هایی مثل قدرت جذب که در عواملی چون فرهنگ، آرمان ها و ارزش ها، ریشه دارد چنین است که: دیگران را به خواستن آنچه شما می خواهید، ترغیب می کند و این اصل یک مفروض بنیادین در میان طرفداران نقش دیپلماسی عمومی است.

هنگامیکه کشورها قدرت خود را در نظر دیگران مشروع جلوه دهند، با مخالفت کمتری با خواسته های خود رو به رو خواهند شد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی یک کشور جذاب باشد، دیگران با میل و رغبت بیشتری از آن کشور تبعیت می کنند. اگر یک کشور بتواند قواعد بین المللی را به گونه ای که متناسب با منافعش باشد، شکل دهد به صورت طبیعی سیاست های اجرایش به دلیل انطباق با قواعد بین المللی مذکور از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. قدرت نرم در یک کشور می تواند از سه منبع اصلی پدید آید: فرهنگ آن کشور، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی (Nye, 2002).

امروزه دولت ها تلاش می کنند تا هر چه بیشتر بر اعتبار خود بیفزایند. چرا که اعتبار یکی از منابع قدرت نرم محسوب می شود. رقابت دولت ها بر سر کسب اعتبار نه فقط با دولت های دیگر بلکه با رسانه های جدید، سازمان ها و نهاد های غیردولتی، سازمان های ملی و مجامع علمی است. البته این به معنی از بین رفتن نقش نیروهای نظامی در قدرت نیست. بلکه همچنان قدرت نظامی یکی از ابزارهای اعمال نفوذ کشورها محسوب می شود. به طور کلی می توان گفت استفاده از قدرت نرم و استراتژی های مربوط به آن به یکی از شیوه های متداول در دیپلماسی تبدیل شده است، کشورهای مختلف تلاش می کنند با استفاده از منابع گوناگون قدرت نرم، دامنه ی نفوذ خود را در جهان گسترش دهند.

## ۶. روش پژوهش

روش مورد استفاده این پژوهش، تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک است. این نوع تحلیل از متعارف ترین و پرکاربردترین روش های تحلیل داده های کیفی است که در سایر رهیافت های تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند (Braun & Clarke, 2006)

در این تحقیق تعداد ۷۵ توییت مقامات ایران و آمریکا درباره زمانی اسفندماه ۱۳۹۷ تا شهریورماه ۱۳۹۸ مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند، از این تعداد ۴۲ توییت از سوی ظریف و ۳۳ توییت توسط ترامپ منتشر شده است.

## ۷. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش شد کارکرد تویتردیپلماسی ایران و آمریکا در شبکه تویتر و در دوره زمانی خروج آمریکا از برجام و در بازه زمانی شش ماه بررسی شود. برای رسیدن به این هدف توییت های دونالد ترامپ و دکتر جواد ظریف (رئیس جمهور پیشین آمریکا و وزیر امور خارجه سابق ایران)، از تاریخ ۱ اسفند ۱۳۹۶ تا ۱ شهریور ۱۳۹۷ انتخاب شده اند. در اینجا خلاصه ای از یافته های حاصل از این توییت ها جداگانه آورده و تحلیل می شوند و سپس ضمن بحث پیرامون سیاست خارجی دو کشور و رویکردها و کارکردهای دیپلماتیک آنها، نتایج حاصله بررسی می گردند.

ظریف در این دوره ۴۲ توییت درباره خروج آمریکا از برجام کرده است. وی توییت هایش را با هدف به نتیجه رسیدن مذاکرات و احیای برجام نقض شده از سوی آمریکا پیش می برد، و ایران را متعهد و آمریکارا غیرمتعهد به توافق بین المللی می داند. در این توییت ها ظریف بازگشت و رسیدن به توافق را خواسته مشروع ایران و مطابق با اصول دیپلماتیک می خواند و بر احیای آن تاکید می کند.

بر اساس نتایج، یکی از مضمون های به دست آمده بازنمایی سیاست های یکجانبه گرایانه و تحریمی آمریکا در برابر کشورها با هدف مقابله با یکجانبه گرایی و زورگویی آمریکا است. در مقوله های مضمون دیگری وی درمقابل منفی نمایی و نقض برجام توسط آمریکا، به احیای برجام و اعتباربخشی به توافق ایران می پردازد. توییت های ظریف در بخشی دیگر ضمن اشاره به گفت و گوهای خود و مقامات سیاسی کشورهای غربی و شرقی به بازنمایی این مفهوم اختصاص دارد که کشورهای غربی و جامعه بین المللی از این توافق استقبال کرده اند. ظریف در مجموعه توییت هایش سعی در برجسته کردن اهمیت توافق برجام دارد و می خواهد نشان دهد که انجام این توافق در جهت حفظ منافع ملی کشور و آینده بهتر ایران می باشد. او در این توییت ها بارها به صراحت بر این موضوع تاکید می کند که این توافق یک پیروزی دیپلماتیک و گفتگومحور و صلح آمیز است و سعی در احیای اعتبار برجام و سیاست خارجی ایران بدنمایی شده توسط ترامپ، نزد جامعه بین الملل دارد. وی همچنین در مقوله هایی به بازنمایی

تحول آفرینی توئیتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۶۳

سیاست خارجی هژمونیک آمریکا و همچنین رفتار مشخص ترامپ می پردازد که مجموعه آنها در راستای مشروعیت زدایی از اقدام و سیاست غلط آمریکا می باشد.

اگر بخواهیم دیپلماسی رسانه ای ظریف را از منظر ارتباطی و حضور در رسانه های اجتماعی بررسی کنیم می توانیم به این موارد اشاره کنیم:

- ظریف رسانه های اجتماعی، فضا و ظرفیت های آن را به خوبی می شناسد، او بعد از آن که در سمت وزیر امور خارجه قرار گرفت، به سرعت فعالیت های خود را در فیس بوک شروع کرد و در پی آن در توئیتر.

- ظریف خود صفحه توئیترش را اداره می کند، این فعالیت نشان می دهد که او به خوبی می داند که این مساله که ظریف خودش توئیتر می کند در این فضا بسیار مهم است و فالوئرهای بیشتری را به صفحه او جلب می کند.

- رویکرد ظریف در این صفحه تعاملی است، او بر اساس پیش آمدها توئیتر می کند و ارتباط تعاملی برقرار می کند.

- ظریف در توئیترها به زبان مخصوص خود دست یافته، زبانی همراه با استفاده از اصطلاح ها و عبارت ها، او در عین حال که موضعش را مشخص می کند، آن را در زبان استعاره و کنایه می پیچد. همین مساله باعث شد که به توئیترهای او توجه زیادی شود و رسانه های بین المللی هم به تحلیل آن ها پردازند.

- ظریف ویژگی های این رسانه اجتماعی را می شناسد و برای آن محتوا تولید می کند.

- تسلط ظریف به زبان انگلیسی باعث شده که او بتواند از ترکیب ها و عبارت های مصطلح در این زبان به خوبی برای انتقال منظور خود استفاده کند. این تسلط باعث شده که ظریف بتواند مواضع خود را درباره موارد مختلف مشخص و حتی در بعضی موارد آنها را خارج از بیان رسمی بیان کند.

مقوله های استخراج شده از توئیترهای ظریف:

- آمریکا ناامن کننده و بی ثبات کننده جهان

- آمریکا اشاعه دهنده جنگ و واردکننده سلاح به منطقه

- صلح طلبی غیرواقعی و جنگ طلبی آمریکا

- سلاح ها و موشکهای مشروع دفاعی ایران
- ایران فاقد سلاح هسته ای و محکوم کننده استفاده از آن
- ایران قربانی جنگ و ترور
- آمریکا دارنده و تنها استفاده کننده سلاح هسته ای در جهان
- بی توجهی آمریکا به زندگی انسانها و حقوق بشر
- دورویی و فریبکاری آمریکا
- آمریکا ضد ملت و دولت ایران
- تلاش آمریکا برای فریب افکار عمومی
- برجام توافق خوب و منحصر بفرد بر پایه مذاکرات و دیپلماسی
- ایران بدنبال گفتگو و مذاکره و صلح و اجرای برجام
- تلاش دیپلماسی برای حفظ منافع کشور
- برجام پیروزی دیپلماسی چندجانبه
- لزوم احترام به تعهدات بین المللی و توافق
- آمریکا غیرقابل اعتماد در توافق ها
- عدم پایبندی امریکا به تعهدات و توافق
- اتهام و ادعای بی پایه و نادرست آمریکا علیه ایران
- گفتار و ادبیات تند و بدون فکر ترامپ
- اعتیاد امریکا به تحریم کردن غیرقانونی کشورهای دیگر
- لزوم برخورد بین المللی با رویه زورگویی و تحریم کشورها
- تحریم ها ابزار فشار آمریکا به سایرکشورها
- آمریکا ناقض قانون و توافق بین المللی
- ایران متعهد به حاکمیت قانون

دونالد ترامپ در دوره خروج از توافق برجام ۳۳ توثیت کرد. وی حضور فعالی در صفحه توئیتر داشته است و به عنوان نماینده حزب جمهوری خواهان سعی در تصویرسازی مثبت و



برند سازی از خود داشته و در تلاش برای انعکاس تصویر احیاگر قدرت آمریکا برای دولت خود و به دنبال تمایز دستاوردهایش با دموکرات ها و شخص اوپاما بوده است.

بر اساس نتایج، یکی از مقوله های به دست آمده منفی نمایی توافقی هسته ای ایران است. ترامپ از آغاز دوره ریاست جمهوری خود همواره سعی در فسخ توافقی هسته ای ایران داشته چراکه وی معتقد بوده ایران فراتر از توافقی هسته ای پیش رفته و از آن سوءاستفاده کرده است. لذا برای سیاه نمایی توافقی هسته ای به دنبال نشان دادن نقص و ناکارآمدی این توافقی بوده تا خط مشی دموکرات ها را در قالب معامله ایران مشخص و متمایز کند. از این رو در تلاش برای اعمال تحریم های بیشتر و فشار اقتصادی در راستای کمپین اعمال فشار حداکثری ترامپ علیه ایران نیز بوده است. موضوع دیگری که ترامپ در تلاش برای انجام آن بوده کشاندن ایران پای میز مذاکره و انجام توافقی با توجه به شرایط مطلوب مورد نظر خود است. در واقع تمام این مقوله های مطرح شده مؤید بدنمایی و امنیتی ساختن توافقی هسته ای ایران و توجیهی برای خروج از آن، در عرصه بین المللی می باشد. از دیدگاه ترامپ، ایران بدنبال دستیابی به سلاح هسته ای است و توافقی برجام در همین راستا و تسهیل گر این مسیر برای ایران است.

یکی از مضامین به دست آمده این است که ایران نقش مخرب بین المللی دارد، چراکه با وجود توافقی هسته ای و با ادعای صلح آمیز بودن برنامه هسته ای خود به عنوان بازیگر بی ثبات ساز در خاورمیانه سبب آشفتگی در این منطقه شده است. اما این تقابل گرایی ترامپ فقط محدود به خاورمیانه نیست بلکه وی به دنبال منزوی ساختن ایران در عرصه بین المللی نیز است. همچنین با تهدید متحدان خود به قطع روابط تجاری در صورت داشتن تجارت با ایران، سعی در انزوای بیشتر ایران در عرصه اقتصادی و بین المللی داشته است. بازنمایی مفهوم برهم زننده نظم بین الملل توسط وی نمایانگر اعتقاد و باوری است که ترامپ نسبت به اهداف و هویت ایران در عرصه بین المللی دارد.

در مقوله های بدست آمده شاهد سعی ترامپ برای نمایش برتری و تمایز عملکرد خود از اوپاما و دموکرات ها در قبال ایران هستیم. وی حمایت از توافقی هسته ای ایران و انعقاد آن از جانب اوپاما را معامله وحشتناک قلمداد می کند و بارها از او به عنوان بانی وضع موجود یاد کرده، ترامپ بر این باور بوده که اوپاما در کنار حمایت های مالی، تلاش بسیاری برای دسترسی مخفیانه ایران به سیستم مالی آمریکا انجام داده است، همچنین حمایت از توافقی هسته ای از جانب اوپاما سبب افزایش بودجه نظامی ایران شده است و با توافقی هسته ای مانع از فروپاشی نظام ایران

شده است. ترامپ بارها در توئیت‌هایش از نابودی اقتصاد ایران، درد و رنج مردم و همچنین مزاحمت اقتصادی برای ایران اظهار رضایت کرده است. در بررسی توئیت‌های ترامپ از منظر ارتباطی و استفاده او از رسانه‌های اجتماعی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ترامپ به طور مرتب از توئیترش استفاده می‌کند، این استفاده تنها خلاصه به مذاکرات ایران نمی‌شود، او درباره بیشتر مسائل بین‌المللی در زمان مطرح بودن بحث، توئیت می‌کند.
  - ترامپ اغلب از زبان مناسب این رسانه‌ها به خوبی استفاده نمی‌کند و با بررسی توئیت‌های او می‌توان دریافت کرد که او خودمحمور و شخصی و بازبان خاص خود توئیت می‌کند.
  - ترامپ از بیانی ساده و صریح و غیررسمی و گاهی تند و به دور از پیچیدگی‌های زبانی برای انتقال مفهوم خود استفاده می‌کند.
- مقوله‌های استخراج شده از توئیت‌های ترامپ:
- برتری و اقتدار آمریکا در جهان
  - دستیابی به اهداف و صلح در جهان از طریق قدرت
  - قدرت و هوشمندی آمریکا در دوره ترامپ و ضعف دولت‌های قبلی
  - صلح طلبی و تلاش در جهت ایجاد امنیت بین‌الملل
  - تلاش برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای در جهان و فرونشاندن قدرت‌های هسته‌ای
  - تاکید بر قدرت سخت و اقتدار نظامی کارآمد آمریکا
  - تاکید بر ابزار تحریم برای انزوا و محدودیت کشورها
  - سیاست‌های تبلیغی و تشویقی ترامپ در جهت توافق با کشورها
  - انتقاد به دولت قبل و رقبا و بنیان توافق ایران
  - پیروزمایی و توانایی ترامپ در ایجاد توافق با کشورهای هسته‌ای
  - رویکرد منفی به برجام و تاکید بر توقف و نقض آن
  - برجام عامل پیشرفت نظامی و جنگ افروزی و تجاوزگری ایران

تحول آفرینی تویتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۶۷

- برجام دستاورد بد دولت قبلی آمریکا
- جلوگیری از ظهور قدرت منطقه ای ایران و کنترل امنیت خاورمیانه
- ایران بدنبال دستیابی به سلاح هسته ای
- ایران حامی تروریسم و بی ثبات کننده منطقه

بطور کلی راهبرد سیاست خارجی ایران شامل محورهایی همچون: تعامل سازنده، دوری از تنش و تنش زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره و جایگاه ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به خصوص با کشورهای همسایه می شود؛ این راهبرد در راستای تنش زدایی در گام نخست، مذاکرات هسته ای را به نتیجه رساند و موجب رفع تهدیدات منطقه ای و جهانی از ایران شد و تنش زدایی در قالب راهبرد تعامل سازنده به مرکز ثقل سیاست خارجی ایران در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم تبدیل شد.

از سوی دیگر سیاست خارجی آمریکا همواره براساس رئالیسم تهاجمی و دستیابی به هژمونی جهانی قابل تحلیل است، در واقع آمریکا از تمام جنبه های قدرت نظامی، اقتصادی و دیپلماتیکی خود در جهت حفظ امپراطوری آمریکا استفاده میکند. باتکیه بر نظریهٔ نئورئالیسم تهاجمی، سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال پرونده هسته ای ایران قابل تحلیل است، ترامپ مانند بسیاری از جمهوری خواهان به شدت با توافق هسته ای ایران مخالفت کرده و آن را چالشی برای آمریکا و متحدان منطقه ای آن میدانند. ترامپ و اعضای دولت او درصدد هستند با بزرگنمایی و تهدید جلوه دادن برنامه موشکی ایران، قرارداد ایران در کنار کره شمالی، تکرار دائمی اتهام به ایران در زمینه تلاش برای بی ثبات کردن منطقه و فشار به اروپایی ها در رابطه با ایران، از توسعه و پیشرفت برنامه هسته ای صلح آمیز ایران جلوگیری ورزند و از این طریق، ضمن محدود کردن قلمرو قدرت و نفوذ روزافزون ایران در خاورمیانه، به تأمین اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه ای آن مبادرت ورزند. (درج، ۱۳۹۸: ۷۸)

یکی از شیوه های تولید معنا و برساختن هویت خود و دیگری و اقناع ایدئولوژیک، بکار بردن واژگان است؛ پس بهترین روش برای کشف رابطه زبان و هویت و ایدئولوژی، تحلیل واژگان و تحلیل محتوی و مضمون است. برای مثال واژگانی نظیر سلاح هسته ای، حمله و تهدید و... در رسانه های غربی دارای ویژگی ارزش دهی منفی است.

بازیگران غربی بویژه آمریکا به عنوان صاحبان گفتمان مسلط باید از ابتدا در نقش بازیگران امنیت ساز، تهدید هسته ای ایران را در فضای بین‌ذهنی سایر کشورها و افکار عمومی جهانی بر ساخته و بزرگنمایی کنند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). در نتیجه با واژگان و عباراتی مواجه می شویم که همگی کنش کلامی و امنیتی ساختن فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران را در جهان نشان میدهد. امنیتی ساختن محدود به استفاده و انتخاب واژگانی نظیر بمب، سلاح هسته ای، شک و تردید، حمله، تعلیق و توقف، تهدید تحریم، پنهانکاری نمی شود بلکه ساختار جملات حاوی بار منفی هم موجب تشدید این روند می گردد (امیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

در واقع استفاده از جملات و عبارات منفی از فعالیت هسته ای ایران، موجب می گردد که افکار عمومی جهان نسبت به اهداف هسته ای ایران با شک و تردید نگاه کنند. و رسانه ها به عنوان بازیگر امنیتی ساز در پی انتقال کلام و واژگانی هستند که موجب می گردد این تصویرسازی و بازنمایی از برنامه هسته ای ایران، عین واقعیت پنداشته شود، و گویای بار منفی برای عملکرد ایران در عرصه بین المللی است و موجب می گردد ایران به عنوان یک کنشگر منفی در منطقه و جهان قلمداد گردد. تکرار این واژگان نیز موجب تردید در باور مخاطبان، دیپلمات ها و افکار عمومی نسبت به فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران می گردد.

بنابراین رسانه ها با انتخاب و استفاده مکرر از واژگان و عبارات منفی نظیر سلاح هسته ای، شک و تردید، تعلیق، قصور و پنهانکاری و.. کشور ایران را به مثابه تهدید و ناامنی جهانی جلوه داده اند. و با انتخاب و استفاده مکرر واژگان و عبارات منفی موجب امنیتی ساختن برنامه هسته ای ایران در منطقه و جهان گردیده اند، همچنین بازیگران در پی دستیابی به رضایت افکار عمومی یا افزایش آن هستند. لذا تکرار مداوم این موضوع در بین اذهان عمومی تا حدودی توانسته است توجیهی برای اقدامات پیشگیرانه و تنبیهی علیه برنامه هسته ای ایران باشد و این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران غنی سازی اورانیوم و استفاده مسالمت آمیز از فناوری هسته ای را حق مشروع و مسلم خود می داند. (امیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

یافته های پژوهش در قالب دو مفهوم بازنمایی تصویر خود و بازنمایی تصویر دیگری می باشد که با تجزیه و تحلیل محتوای توثیق های ترامپ و ظریف به پنج مضمون اصلی برای هر کدام دست یافتیم. ترامپ با مضامین "بازنمایی نقش مخرب ایران در عرصه بین الملل، منفی نمایی و تخریب برجام و فریب و جهت دهی به افکار عمومی جهانی" سعی در بازنمایی دیگری و استفاده بهینه از قدرت نرم دارد و از سویی با مضامین "بازنمایی قدرت آمریکا و برتری نمایی خود نسبت به رقبا" سعی بر مشروعیت سازی خود و اقدامات خود دارد. ترامپ

در توئیتلیماسی بدنبال خودنمایی و برتری نمایی دولت خود و ایجاد توافق هسته ای مطلوب خود بجای توافق هسته ای برجام با سیاه نمایی آن است. تصویری که ترامپ برای خود برگزیده، حاکی از سیاست های درست و هوشمندانه خود برای آمریکا است، بازیگری قابل اعتماد و صلح طلب که با ایران به عنوان بازیگر جویای تسلیحات هسته ای و برهم زنده امنیت و نظم بین المللی مقابله می کند. در واقع ترامپ در تلاش بوده عملکردی بهتر از اواما از خود نشان دهد و خود و برند ترامپ را به اثبات برساند.

ایران در توئیت های ترامپ، سلطه جو و جنگ طلب قلمداد می شود که برهم زنده نظم بین المللی است. این برداشت ترامپ از ایران در تصمیمات سیاست خارجی اش اثرگذار بود، چراکه ترامپ به وعده های انتخاباتی خود عمل کرده و رویکرد آمریکا را نسبت به ایران تغییر داد و از برجام خارج شد.

این نوع تصویرسازی ترامپ از خود و دیگری مبتنی بر دلایلی مانند تنفر آمریکایی های محافظه کار از ایران، جنگ روانی شبکه های تلویزیونی، حامیان اسرائیلی و اطرافیان ترامپ به ویژه بولتون و پمپئو، تنفر از اواما و ویژگی های شخصیتی ترامپ بوده که به صورت ضمنی و صریح در توئیت های ترامپ خود را بروز داده است. این ها عوامل اثرگذار بر انگاره های ذهنی ترامپ بوده اند که فرایند سیاست گذاری آمریکا را در دوران ترامپ متحول نمودند.

ظریف در توئیت در تلاش برای بازنمایی تصویر ایران صلح طلب و قربانی جنگ طلبی و تروریسم بین المللی بوده و هرچه بیشتر بر گفتگو و پایبندی خود به تعهدات بین المللی نظیر برجام تاکید می نماید و از سوی دیگر به بدعهدی و عمل نکردن به تعهدات توسط آمریکا اشاره می کند.

وی با مضمون های "احیای برجام، اعتباربخشی به ایران، مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا، و بازنمایی سیاست خارجی هژمونیک آمریکا و اقدامات شخص ترامپ" در جهت تقابل با اقدام و رفتار نادرست و غیراصولی ترامپ و جلب افکار عمومی جامعه بین الملل، سعی در نمایاندن و محکوم کردن رفتار ترامپ و سیاست خارجی نادرست آمریکا، و توجه جامعه جهانی به سیاست خارجی و توافق برجام مذاکره محور ایران، داشته است.

## ۸. نتیجه‌گیری

دیپلماسی رسانه‌ای کارکردهای متفاوتی دارد، اصلی‌ترین کارکرد دیپلماسی رسانه‌ای مربوط به انتشار اخبار، تفاسیر و تحلیل‌های دیپلماتیک است. در فضای سیاسی فقدان روابط مستقیم دیپلماتیک و رابطه رسمی بین کشورها، رسانه‌ها، پرنفوذ و پرکاربرد توییت‌ها به کمک دولت‌مردان آمده تا ضمن ایجاد فضای انتقال غیرمستقیم پیام‌های سیاسی، وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک باشد. در پاسخ به پرسش پژوهش، نتایج نشان می‌دهند، دیپلماسی رسانه‌ای دو کشور ایران و آمریکا دارای وجوه متفاوتی می‌باشد و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا در نقطه‌ی مقابل ایران قرار دارد. آمریکا در تلاش است ایران را به عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان تروریسم نمایش دهد و تمامی اقدامات ایران را نیز بی‌ثبات کننده‌ی خاورمیانه جلوه دهد. رسانه‌های آمریکایی ابزاری در جهت ایجاد و گسترش کلیشه‌های منفی انگارانه‌اند، ترامپ و رسانه‌های دیپلماتیک در اختیارش نیز باهدف بازنمایی منفی و شخصی‌وی از برجام فعالیت نموده است. تاکید ایران بر تلاش برای تامین امنیت خاورمیانه نکته‌ی دیگری است که در سیاست خارجی ایران بازنمایی می‌شود، زیرا ایران خود را کشوری می‌داند که در حال مبارزه با تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی است.

اصلی‌ترین کارکرد دیپلماسی توییت‌ها مربوط به انتشار اخبار، تفاسیر و تحلیل‌های دیپلماتیک است و کمتر از آن برای چانه‌زنی و امتیازدهی و امتیازگیری استفاده می‌شود. این امر نشان می‌دهد که هنوز هم بخش مهمی از دیپلماسی کشورها، پشت درهای بسته و از طریق مذاکرات پنهانی صورت می‌پذیرد. پررنگ‌ترین کارکرد دیپلماسی رسانه‌ای ایران تلاش برای دعوت به حل تعارض و انجام مذاکرات جهت حل اختلافات می‌باشد، به همین دلیل در بسیاری از توییت‌های وزیر امور خارجه ایران تلاش شده است تا گفتمان سازی از ایدئولوژی‌های سیاست خارجی ایران صورت گیرد و به نوعی ایران کشوری صلح‌طلب، پایبند به تعهدات بین‌المللی و علاقه‌مند به مذاکره و گفت‌وگو معرفی شود، همچنین درگفتمان دیپلماسی رسانه‌ای خود بر نقض توافق‌های بین‌المللی از سوی آمریکایی‌ها و جنگ طلبی آمریکا تاکید کرده است.

مهمترین مسائل مطرح شده در توییت‌ها وزیر امور خارجه ایران مسائل سیاسی، انرژی هسته‌ای و برجام، تروریسم، مسائل مرزی و مسائل مربوط به همسایگان، جنگ و مسائل فرهنگی بوده است. در حالیکه آمریکا بیشتر بر موضوع تحریم، مسائل نظامی و سیاست و قدرت آمریکا تاکید داشته است.

تحول آفرینی تویتر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۷۱

تویتر برای سیاستمداران آمریکایی به عنوان یکی از منابع خبری کاربرد دارد و این شبکه بازوی رسانه ای دستگاه سیاست خارجی آمریکا محسوب می شود. گفتمان مورد تاکید آمریکا بر محورهایی چون تلاش ایران برای بی ثبات سازی منطقه ی خاورمیانه و تاکید بر این نکته که ایران در جست و جوی سلاح های اتمی و هسته ای است، متمرکز است. با این حال گفتمان حمایت ایران از تروریسم نیز از جمله گفتمان های مورد تاکید آمریکا در دیپلماسی رسانه ای بوده است.

یکی دیگر از پرسش های تحقیق، ویژگی های زبانی و ادبیات مورد استفاده ی ترامپ و ظریف است. وزیر امور خارجه ایران با استفاده از ادبیات الهام بخش و در چارچوب ادبیات دیپلماتیک همراه با احترام، تلاش دارد تا بر کشورها و سیاستمداران دیگر اثر گذاشته و به تحقق اهداف و منافع ملی کشور کمک نماید، البته در تلاش برای مقابله با اقدامات آمریکا و ترامپ، ادبیات انتقادی نیز بسیار مورد استفاده اش گرفته است. ترامپ اما با استفاده از ادبیات تهدید آمیز و اتهام آلود، در تلاش برای مقابله با اقدامات ایران است، ادبیات انتقادی ارکان دیپلماسی رسانه ای ترامپ را تشکیل می دهد. آنچه در مورد ترامپ منحصربه فرد است، فقدان تجربه سیاسی و یا ثروت شخصی اش نیست بلکه سبک شخصیت وی است. چراکه وی دارای شخصیت عجول، برون گرا و خودشیفته، جاه طلب و پرخاشگر است که این خودشیفتگی باعث شد چون در اثنای تبلیغات انتخاباتی وعده داده بود بعد از به قدرت رسیدن برجام را نقض خواهد کرد، علیرغم اینکه قادر نبود توافق بهتری بر ایران تحمیل کند، برجام را نقض کرده و بر این امر نیز می بالدد.

با بررسی کلمات پر تکرار در تویتر وزیر امور خارجه ایران و رییس جمهور آمریکا، پرتکرار ترین کلمات در تویتر وزیر امور خارجه ایران، کلمات "ایران، مذاکره، دیپلماسی، توافق هسته ای برجام و آمریکا" بوده است. در مقابل ترامپ به کلمات "توافق ایران، توافق بد، تروریسم و قدرت آمریکا" اشاره کرده است.

در پاسخ به پرسش دیگر این پژوهش، تلاش ایران در تویتر دیپلماسی برای ترسیم تصویری مطلوب از خود بوده، که این اقدام را می توان نوعی مقابله با تصویرسازی های منفی رسانه های آمریکایی از ایران قلمداد کرد. تلاش برای دستیابی به توافق و احیای برجام، تامین امنیت و حل تعارضات و اختلافات دیگر، اهداف دیپلماسی ایران محسوب می شوند. به طور کلی دیپلماسی رسانه ای ایران در تویتر بر تنش زدایی، صلح طلبی و تاکید هر چه بیشتر بر گفت و گو و توافقات دو طرفه تاکید دارد. ایران در تلاش است هم در منطقه ی خاورمیانه نقش

میانجی‌گری و برقراری امنیت را ایفا نماید و هم در مقابله با آمریکا و خنثی‌سازی اقدامات این کشور نظیر تحریم‌ها، بر غیر منطقی بودن و سیاست‌های دوگانه‌های آمریکا تأکید نماید. ایران سعی دارد خود را به عنوان کشوری در جست‌وجوی پیشرفت و توسعه و مایل به همکاری با کشورهای جهان نشان دهد و به همین دلیل بر رعایت اصول دیپلماسی و گفتگو محوری تأکید دارد. در مقابل ایالات متحده آمریکا ضمن متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم، توافقات و اقداماتی نظیر توافق برجام را بی‌اثر کرده و در تلاش است با سیاه‌نمایی ایران و توافق برجام، و با اعمال تحریم‌های اقتصادی، سیاسی با ایران مقابله نماید و همراهی کشورهای دیگر را نیز برای برقراری تحریم‌ها و فشارهای بیشتر بر ایران جلب نماید.

تویتر فرصتی برای تعامل در دیپلماسی است، بازنمایی خود و دیگری و مشروعیت‌سازی و اعتبارسازی، مشروعیت‌زدایی و اعتبارزدایی، همگی محورهای اصلی کاربرد دیپلماسی تویتری برای ایران و آمریکا، برای انتقال موثر پیام‌های سیاسی، در فضای این رسانه بوده است، و در شرایط فقدان دیپلماسی رسمی فی‌مابین دو کشور فرصتی برای دیپلماسی و اعمال قدرت نرم هر دو کشور محسوب می‌شود.

با جمع‌بندی بررسی‌ها می‌توان گفت تویتر توانسته در راه فضا سازی و اعتبار سازی برای دیپلماسی، ایران را یاری نماید و از سویی فضا سازی و جوسازی تویپلماسی آمریکا را نیز خنثی نماید. البته این را باید در نظر داشت که عملکرد و برون‌داد سیاست خارجی یک کشور تنها تحت تأثیر دیپلماسی تویتری آن نیست، بلکه عوامل کلیدی دیگری نیز در این عرصه وجود دارند و دیپلماسی تویتری تنها بعنوان کاتالیزور یا عنصر تسهیل‌کننده ارتباطات عمومی و تبادل پیام‌های سیاسی نقش ایفا می‌نماید، و ابزاری است که بصورت هدفمند برای پیشبرد دیپلماسی بکار گرفته می‌شود. در نهایت، این فرآیند در جهت پیاده‌سازی مفهوم قدرت نرم یک کشور در عرصه سیاست خارجی، از طریق بازنمایی و فضا سازی یا برجسته‌سازی و اعتبار سازی و اعتبارزدایی، ماموریت خود را به انجام می‌رساند. تویتر دیپلماسی مهمترین و بارزترین ابزار برای بازتولید قدرت نرم بوده و فرصتی برای دیپلماسی است تا از آن بهره‌برد. در پایان با توجه به اینکه مذاکرات هسته‌ای بستر تحقیقی جالب و قابل تاملی برای صاحب نظران ارتباطات است، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی درباره موارد زیر انجام گیرد:

- مدل‌های مطلوب انجام دیپلماسی تویتری
- بررسی بازنمایی مذاکرات هسته‌ای ایران در تویتر



تحول آفرینی تویت‌ر دیپلماسی در پیشبرد اهداف سیاسی ... (مهرداد توکلی و دیگران) ۷۳

- بررسی بازنمایی مذاکرات هسته‌ای توسط اتحادیه اروپا در رسانه‌های اجتماعی

## کتاب‌نامه

- اسلامی، سعید (۱۳۹۷)، بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی سال دهم، شماره ۲
- امیدی، علی و مرادی فر، سعیده (۱۳۹۳) برسازي امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران، سیاست جهانی جوانمرد، محمد، (۱۳۹۷/۵/۹)، واقعیت پشت تویت‌های ترامپ چیست؟، خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا
- حسینی آزاد، علی (۱۳۹۸)، از آرمانگرایی تا واقعگرایی؛ سیری در مبانی حقوق بین‌الملل، پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۹
- خرازی آذر، رها (۱۳۹۳)، کمپین دیپلماسی رسانه‌ای؛ عطف به ارتباطات استراتژیک، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها
- خسروی، افسانه، رزمجو، علی اکبر (۱۳۹۴)، دیپلماسی عمومی جدید؛ بسترساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۲
- خسروی باب اناری، ملک تاج (۱۳۹۶)، رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۶
- درج، حمید و بصیری، محمد علی (۱۳۹۸)، تجزیه و تحلیل رویکرد دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ج.ا.ا، آفاق امنیت، ش ۴۳، تابستان ۱۳۹۸
- سعیدی، روح الامین (۱۳۹۰)، رسانه‌ها و برساختگی مفاهیم امنیت و ناامنی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱، شماره ۴
- سلیمان زاده، سعید، امیدی، علی، راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوگرایی واقع‌گرایی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷
- ظریف، جواد (۱۳۹۷)، یک نگاه داخلی به سیاست خارجی ایران مذاکره مبتنی بر قدرت، مصاحبه با دکتر محمد جواد ظریف، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۷، سال ۱۳۸۴
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۷)، رسانه‌ها و بازنمایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- مارگنس، هلن (۱۳۹۹)، آشفته‌گی سیاسی-شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه به کنش جمعی شکل می‌دهند، ترجمه محمد رهبری، نشر کویر

۷۴ رسانه و فرهنگ، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

نای، جوزف ساموئل (۱۳۹۰)، آینده‌ی قدرت. ترجمه: رضامراد صحرای و همکاران، تهران: انتشارات حروفیه

نظری، علی اشرف، ملایی، امیر (۱۳۹۷)، تحلیل زبان شناختی و امکان تحلیل شخصیت سیاستمداران : مطالعه‌ی دونالد ترامپ، فصلنامه سیاست جهانی، ش ۲۳

Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology,-  
Qualitative Research in Psychology, 3, 77-101.

Constance Duncombe, Twitter and transformative diplomacy: social media and Iran-US relations, ) 2017. Published by Oxford University Press on behalf of The Royal Institute of International Affairs

Cooper, Robert, the Breaking of Nations : order and chaos in the Twenty – First Century (London: Atrantic Books, 2003) , p.76.

Holsti, K.J, 1995, International Politisis: A Framework for Analysis, Prentice Hall, New Jersey.

Nye, J. S. 2002. Hard and Soft Power in a Global Information Age. In Mark Leonard (Ed.), Re-ordering the World. London: The Foreign Policy Centre. pp. 151-153

Roe, Paul (2014), Ethnic Violence and the Societal Security Dilemma, Publisher: Routledge, pp. 1- 216